

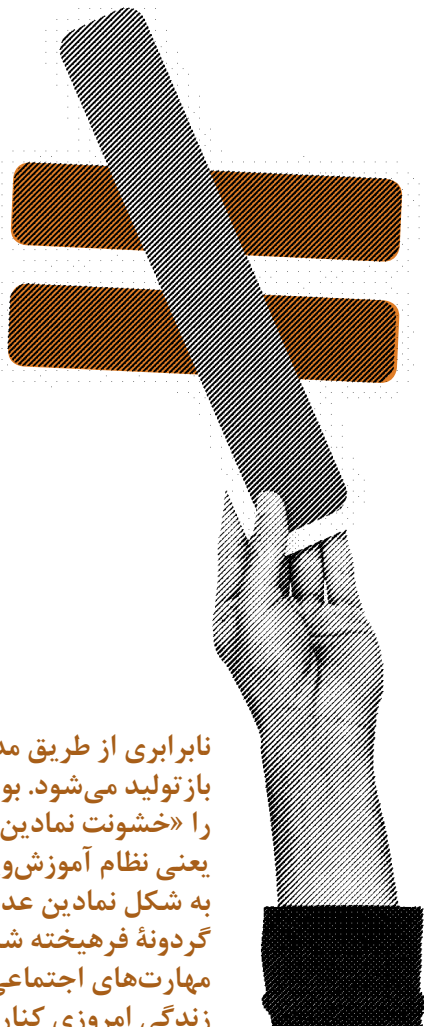
وقتی مدرسه نابرابری را تثبیت می‌کند



دکتر فردین علی خواه
جامعه‌شناس

در فلان باشگاه است، از انواع هنرها می‌توانند یکی را انتخاب و فرد شناخته‌شده‌ای در آن هنر به آن‌ها درس بدهد، غذایشان تحت‌نظر یک متخصص تغذیه است، آن‌ها را به موزه‌ها، گالری‌ها و کتاب‌فروش‌ها می‌برند، وضعیت پزشکی‌شان مدام چک می‌شود؛ برنامه‌های مشترک هنری با حضور ما ترتیب می‌دهند، برایشان کلاس قصه‌گویی و شاهنامه‌خوانی برگزار می‌کنند و ...»
بورديو، جامعه‌شناس فرانسوی چند دهه قبل، به نقد جدی نظام آموزشی فرانسه پرداخت. او معتقد بود که کارکرد نظام

از بعضی خانواده‌ها سؤال می‌کنم که برای تحصیل فرزندشان چقدر شهریه می‌پردازند. با شنیدن پاسخ، بی‌اختیار سوت ممتدی می‌زنم! به زمین نگاه می‌کنم و سرم را به چپ و راست تکان می‌دهم: ۵، ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ میلیون تومان برای یک سال! از کسانی که مبلغ بالاتری پرداخته‌اند، می‌پرسم که این پول را در ازای دریافت چه خدماتی می‌پردازید. می‌گویند: «دو زبان خارجی یاد می‌دهند، معلم نقاشی‌شان فلانی است، موسیقی و حرکات موزون یاد می‌دهند، کلاس‌های ورزششان



نابرابری از طریق مدرسه مدام باز تولید می‌شود. بورديو این امر را «خشونت نمادین» می‌داند. یعنی نظام آموزش و پرورش به شکل نمادین عده‌ای را از گردونه فرهیخته شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی لازم برای زندگی امروزی کنار می‌گذارد

می‌داند. یعنی نظام آموزش و پرورش به شکل نمادین عده‌ای را از گردونه فرهیخته شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی لازم برای زندگی امروزی کنار می‌گذارد.

آنچه بورديو چند دهه قبل در خصوص نظام آموزشی کشور فرانسه گفت، ظاهراً به شکل زیرپوستی در کشور ما در حال وقوع است. متأسفانه در کشوری که در قانون اساسی اش بر آموزش رایگان تأکید شده است، روزه‌روز شاهد طبقاتی شدن هر چه بیشتر امر آموزش هستیم. نکته جالب آنکه در مدارس دولتی هم شاهد طبقاتی شدن هستیم و مسئله فقط مدارس خصوصی/دولتی نیست. برخی از مدارس دولتی هم که در مناطق مرفه‌نشین شهرها قرار دارند، با دریافت مستمر هزینه از والدین، تلاش می‌کنند خدمات ویژه‌ای به دانش‌آموزان ارائه دهند. در این بین مشهود است که: مدرسه به تدریج به نظام تثبیت نابرابری‌های اجتماعی تبدیل می‌شود. ژن‌های خوب به مدارس مطلوب می‌روند و می‌شوند وارثان اقتصاد و هنر، و ژن‌های نامرغوب که والدین مرغوبی ندارند، به مدارس ضعیف می‌روند و می‌شوند وارثان فقر!

سخن پایانی اینکه: مراقب باشیم. برخی از این مدارس چنین به والدین القا می‌کنند که پدر و مادر خوب بودن، یعنی کسی که چنین خدمات گران‌قیمتی را برای فرزندانش فراهم کند. در نوشته دیگری به این موضوع خواهیم پرداخت.

آموزشی آن است که دانش‌آموزان را برای زندگی پس از مدرسه یا دانشگاه توانمند کند و به آن‌ها مهارت‌های لازم برای فرهیخته بودن را بیاموزد. منظور او از فرهیختگی، کسب منش‌ها و شیوه‌های درک جهان، و نیز مهارت‌هایی بود که با داشتن آن‌ها افراد احساس نکنند که در مقایسه با دیگران چیزی کم دارند. مثلاً دانش‌آموزان پس از اتمام دوره تحصیلی بتوانند به یک زبان خارجی حرف بزنند، وقتی یک تابلوی نقاشی دیدند بگویند که این تابلو در چه سبکی نقاشی شده است، اگر به یک موسیقی گوش کردند بگویند که این موسیقی در چه سبکی است، نام سازهای موسیقی را به درستی بدانند، با مهارت‌های اجتماعی نظیر ارتباط اجتماعی و نیز رفتار در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، آشنا باشند. در مجموع توانایی رمزگشایی از عرصه اجتماع و هنر را کسب کنند.

از نظر او، همه دانش‌آموزان با توان و قابلیت‌های یکسانی وارد نظام مدرسه نمی‌شوند. برخی از آن‌ها از قبل دارای خانواده فرهیخته‌ای هستند و روشن است که اگر در مدرسه چنین چیزهایی به دانش‌آموزان یاد داده شود، توانایی‌های آنان صرفاً تکمیل خواهد شد؛ چون از زمینه‌های لازم برخوردارند. ولی عده‌ای از دانش‌آموزان هم هستند که در خانواده اصلاً چنین چیزهایی را نیاموخته‌اند. وظیفه نظام آموزش و پرورش آن است که روی این دانش‌آموزان بیشتر کار کند. به آنان بیشتر آموزش بدهد تا هم‌پای دانش‌آموزان دسته اول شوند؛ امری که برخی آن را «تبعیض مثبت» می‌دانند. نظام آموزش و پرورش باید وضعیت را عادلانه پیش ببرد تا در نهایت دانش‌آموزان با توانایی‌های مشابهی دوره تحصیلی را به اتمام برسانند.

نظر بورديو آن بود که نظام آموزشی فرانسه چنین نیست. در واقع نابرابری موجود در نظام آموزشی باعث می‌شود تا فقرا، با فرهنگ حاکم بر خانواده‌های فقیر وارد و با همان فرهنگ خارج شوند. خانواده‌هایی که پولدارترند، فرزندان خود را به مدارس درجه یک می‌فرستند و خانواده‌های کم‌درآمد به مدارس ضعیف‌تر. نتیجه آنکه وارثان اقتصاد، هنر و سیاست همچنان وارث و مدعی این عرصه می‌مانند و وارثان فقر هم همچنان فقر را به نسل بعد از خود منتقل می‌کنند. نابرابری از طریق مدرسه مدام باز تولید می‌شود. بورديو این امر را «خشونت نمادین»